

۱۲۶- آرایه‌های «کنایه، جناس، تشخیص، تضاد» به ترتیب در کدام ابیات آمده است؟

الف) به گوش ارغوان آهسته گفتم / بهارت خوش که فکر دیگرانی

ب) به ترتیبی نهاده وضع عالم / که نی یک موی باشد بیش و نی کم

ج) بر قدم او قدمی می کشید / وز قلم او رقمی می کشید

د) زاغی از آنجا که فراغی گزید / رخت خود از باغ به راغی کشید

۱) ج - د - ب - الف

۲) د - ج - الف - ب

۳) ج - ب - الف - د

۴) د - ج - ب - الف

۱۲۷- آرایه‌های روبه‌روی کدام گزینه تماماً درست است؟

- ۱) نبض مرا بگیر و ببر نام خویش را / تا خون بدل به باده شود در رگان من (تشخیص - اغراق)
- ۲) گه به مسجد دل ما گاه به میخانه رود / چون گدایی که از این خانه به آن خانه رود (تشبیه - ایهام)
- ۳) اگرچه هیچ گل مرده، دوباره زنده نشد اما / بهار در گل شیپوری، مدام گرم دمیدن بود (تضاد - تشخیص)
- ۴) ما را تو به خاطری همه روز / یک روز تو نیز یاد ما کن (جناس همسان - مجاز)

۱۲۸- منظور از عبارتهای مشخص شده به ترتیب چه کسانی هستند؟

«و بتان شکسته و پاره کرده و آن را امیرالمؤمنین می‌روادارد ستنن ... و خواجه با امیرمحمود به غزوها بوده است و من نبوده‌ام...»

- ۱) خلیفه - بونصر - بوالحسن
- ۲) امیرمسعود - بوالحسن - بونصر
- ۳) خلیفه - بوالحسن - بونصر
- ۴) امیرمسعود - بونصر - بوالحسن

۱۲۹- کدام عبارت درست معنی شده است؟

- ۱) گفت: خداوند این سخت نیکو کرد: گفت: خداوند کارهای خیلی خوبی می‌کند.
- ۲) خیل‌تاشان و سوار را گسیل کرده: نوکران و سواران را مرخص کرده بود.
- ۳) می‌فرستاد فرود سرای به دست من: به دست من از خانه پایین می‌انداخت.
- ۴) بونصر گفت: «لله دَرْگُما»: بونصر گفت: «خدا خیرتان بدهد.»

۱۳۰- همه‌ی ابیات با بیت زیر مفهوم یکسان دارند، به جز:

- خرد را گر نبخشد روشنایی / بماند تا ابد در تیره‌رایی
- ۱) ای عقل مرا کفایت از تو / جستن من و هدایت از تو
- ۲) گر نبودی علم تو ذات خرد را رهنمون / می‌ندانستی خرد یک پارسی بی‌ترجمان
- ۳) خرد باد در نیک و بد یار او / خدا باد سازنده‌ی کار او
- ۴) خرد را تو روشن بصر کرده‌ای / چراغ هدایت تو بر کرده‌ای

۱۳۱- مفهوم کدام بیت از سایر ابیات دورتر است؟

- ۱) عزّت ز قناعت است و خواری ز طلب / با عزّت خود بساز و خواری مطلب
- ۲) تا بتوانی حذر کن از مَنّت / کاین مَنّت خلق کاهش جان است
- ۳) مریض، مصلحت خویش را نمی‌داند / به تلخ و شور طیب زمانه قانع باش
- ۴) بهر یک جرعه‌ی می مَنّت ساقی نکشیم / اشک ما باده‌ی ما، دیده‌ی ما شیشه‌ی ما

۱۳۲- مفهوم همه‌ی ابیات با بیت زیر هماهنگی دارد، به جز:

- بخور تا توانی به بازوی خویش / که سعیت بود در ترازوی خویش
- ۱) زیر بار زندگی کن تکیه بر بازوی خویش / تا که نگذاری سر غم بر سر زانوی خویش
- ۲) گرچه پیدا نیست ره، نومید و دل‌خسته مباش / دست غیبی رهنما گردد تو را بار دگر
- ۳) به دوش تو گل منه بار خود را / ولی نعمت خویش کن کار خود را
- ۴) غرض این است که بی‌همت و اندیشه و سعی / هیچ کس را فلک ای دوست مظفر نکند

۱۳۳- مفهوم کدام بیت از سایر ابیات دورتر است؟

- ۱) از حساب کرده‌های خود نظر پوشیده‌ای / نیستی یک لحظه فارغ از حساب دیگران
- ۲) کرده‌ایم از خود حسابی نقد بر خود حشر را / از حساب درهم و دینار فارغ گشته‌ایم
- ۳) حساب خود این‌جا کن، آسوده‌دل شو / می‌فکن به روز جزا کار خود را
- ۴) پیش از آن کن حساب خود که تو را / دیگری در حساب گیرد سخت

۱۳۴- مفهوم کنایی «مرا چه افتاده است» در عبارت زیر، به کدام کنایه‌ی امروزی نزدیک است؟

«و مرا چه افتاده است که زر کسی دیگر برد و شمار آن به قیامت مرا باید داد؟!»

- ۱) مگر مغز خر خورده‌ام؟
- ۲) مگر سرم روی تنم زیادی کرده است؟
- ۳) مگر مال پدرم است؟
- ۴) مگر از روی نعش من رد بشوی.

۱۳۵- مفهوم مقابل عبارت زیر در کدام بیت دیده می‌شود؟

«و قیامت سخت نزدیک است، حساب این نتوانم داد.»

- ۱) چون دادنی است روز قیامت حساب خود / امروز خود حساب نباشد کسی چرا؟
- ۲) از نامه‌ی سیاه نترسم که روز حشر / با فیض لطف او صد از این نامه طی کنم
- ۳) گمان مبر که خرد را حساب و میزان نیست / نگاه بنده‌ی مؤمن قیامت خرد است
- ۴) حامی زور است چرخ زورمند / زورمند من! نترسم از گزند

۱۳۶- معانی «سرا - زمین پست - موجودات زنده - جداشدن - شاد» به ترتیب برای کدام واژه‌ها مناسب هستند؟

- ۱) سوله - مهلکه - نفوس - سپردن - پدرام
- ۲) خانقاه - خور - نفوس - گسلیدن - پدرام
- ۳) خانقاه - خور - ماسوا - سپردن - شعف
- ۴) سوله - مهلکه - ماسوا - گسلیدن - شعف

۱۳۷- واژه‌های کدام گزینه، به ترتیب، مناسب پر کردن جاهای خالی ابیات زیر است؟

الف) پی ثنای محمد بر آر تیغ ضمیر / که خاص بر قد او یافتند ..... ثنا

ب) نخستین که ..... بر سر نهاد / جهان را به داد و دهش مژده داد

ج) رکاب است پای مرا جایگاه / یکی ..... تیره سرم را کلاه

- ۱) تیغ - درع - گبر
- ۲) درع - دیهیم - گبر
- ۳) تاج - درع - ترگ
- ۴) درع - دیهیم - ترگ

۱۳۸- در همه‌ی گزینه‌ها «غلط‌املایی» وجود دارد، به جز،

۱) وقاهت و بی‌حیایی - فراق و جدایی - مهیب و هولناک

۲) مقربان و آوازخوانان - تقریظ و ستودن - مقام و منصب

۳) زرده و سمند - طاس و کاسه‌ی مسی - فراغت و آسوده‌گی

۴) سفاهت و حماقت - صرع و غش - شست و انگشتی

۱۳۹- نام پدیدآوردندگان آثار «اخلاق محسنی - اسرارالتوحید - قصه‌ی شیرین فرهاد - من زنده‌ام» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- (۱) حسین واعظ کاشفی - ابوسعید ابوالخیر - عیسی سلمانی - معصومه آباد
- (۲) حسین واعظ کاشفی - محمدبن منور - احمد عربلو - معصومه آباد
- (۳) عطار نیشابوری - ابوسعید ابوالخیر - عیسی سلمانی - محمود شاهرخی
- (۴) عطار نیشابوری - محمدبن منور - احمد عربلو - محمود شاهرخی

۱۴۰- همه‌ی گزینه‌ها از نظر مفهوم با بیت زیر تقابل دارند، به استثنای:  
نه تسلیم و سازش، نه تکریم و خواهش / بتازد به نیرنگ تو، توسن من  
(۱) خاک تسلیم به سرکن که در این دشت هلاک / تو نداری سپر و در کف دشمن تیغ است  
(۲) علاج خصم زبردست نیست جز تسلیم / به آسمان چه ضرور است کس نبرد کند؟  
(۳) پیش دشمن سپرافکندن من هست محال / در ره دوست گر آماجگه (= نشان) تیر شوم  
(۴) از ره تسلیم، چون شگر گوارا می‌کنم / زهر اگر «صائب» حریفان در گلویم می‌کنند

۱۴۱- همه‌ی گزینه‌ها، با بیت زیر تناسب مفهومی دارند، به جز:  
نباشی بس ایمن به بازوی خویش / خورد گاو نادان ز پهلوی خویش  
(۱) ای من آن روباه صحرا کز کمین / سر بریدندش برای پوستین  
(۲) گفت من آن آهوم کز ناف من / ریخت این صیاد خون صاف من  
(۳) بر من است امروز و فردا بر وی است / خون چون من کس چنین ضایع کی است؟  
(۴) خون دوید از چشم همچون جوی او / دشمن جان وی آمد روی او

۱۴۲- همه‌ی گزینه‌ها دارای پیام مشترکی هستند، به جز:  
(۱) نه هرکه چشم و گوش و دهان دارد آدمی است / بس دیو را که صورت فرزندِ آدم است  
(۲) آن راه دوزخ است که ابلیس می‌رود / بیدار باش تا پی او راه نسپری  
(۳) دیو با مردم نیامیزد مترس / بل بترس از مردمان دیوسار  
(۴) اندر این ره صد هزار ابلیس آدم‌روی هست / تا هر آدم‌روی را زنهار کادم مشمری

۱۴۳- کدام گزینه درباره‌ی بیت زیر درست است؟  
در حال خویشتن چو همی ژرف بنگرم / صفرا همی برآید از انده به سر مرا  
(۱) کل بیت شامل یک جمله‌ی غیرساده است. (۲) فعل مصراع دوم، ماضی استمراری است.  
(۳) «را» در انتهای مصراع دوم، نشانه‌ی مفعول است. (۴) «بر» در مصراع دوم، حرف اضافه است.

۱۴۴- نقش دستوری ضمیرهای مشخص شده، به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- (الف) گرم پای ایمان نلغزد ز جای / به سر بر نهم تاج عفو خدای  
(ب) تولای مردان این پاک بوم / برانگیختم خاطر از شام و روم  
(ج) کسی را در این بزم ساغر دهند / که داروی بیهوشیش در دهند  
(د) بلند اخترت عالم افروخته / زوال، اختر دشمنت سوخته
- (۱) متمم - مفعول - مضاف الیه  
(۲) متمم - مضاف الیه - متمم - مفعول  
(۳) مضاف الیه - مضاف الیه - متمم - مضاف الیه  
(۴) مضاف الیه - متمم - مفعول - مفعول

۱۴۵- شیوهی بیان در کدام گزینه «بلاغی» است؟

- (۱) ما آدمی نی‌ایم از پیراک آدمی / دُردی کش پیاله‌ی شیطان نمی‌شود  
(۲) دین از تو کار خواهد و کار از تو راستی / این درد با مباحثه درمان نمی‌شود  
(۳) کشت دروغ، بار حقیقت نمی‌دهد / این خشک رود، چشمه‌ی حیوان نمی‌شود  
(۴) دریاست دهر، کشتی خویش استوار دار / دریا تهی ز فتنه‌ی طوفان نمی‌شود

۱۴۶- تعداد ترکیب وصفی و اضافی در همه‌ی گزینه‌ها یکسان است، به جز:

- (۱) زین بی‌خردان سفله بستان  
(۲) تو مشت درشت روزگاری  
(۳) تو قلب فسرده‌ی زمینی  
(۴) بفکن ز پی این اساس تزویر

۱۴۷- در همه‌ی گزینه‌ها معنای «گرفتم» همانند معنای آن در بیت زیر است، به استثنای:

- گرفتم راز دل بتوان نهفتن / دوای چشم گریان چون توان کرد؟  
(۱) من گرفتم که ز عشق تو حکایت نکنم / چه کنم کز در و دیوار فغان می‌آید؟  
(۲) چو مرا نماند رنگی، همه رنگ او گرفتم / که جهان مسخرم شد چو برآمدم به رنگش  
(۳) گرفتم ره نیابی در سرایش / توان بوسیدن آخر خاک پایش  
(۴) در جاه گرفتم که شدی طغرل و سنجر / بنگر که کجایند کنون سنجر و طغرل؟

۱۴۸- همه‌ی آرایه‌ها در بیت زیر وجود دارند، به جز:

- سنبلت را بس پریشان حال می‌بینم مگر / باد صبح از حال من با وی حدیثی گفته است؟  
(۱) حسن تعلیل (۲) تشخیص (۳) استعاره (۴) ایهام

۱۴۹- آرایه‌ی نوشته‌شده در مقابل کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) بیداری حیات شود منتهی به مرگ / آرامش است عاقبت اضطراب‌ها (پارادوکس)  
(۲) در ره فرهنگ و آیین وطن غفلت موز / ملک بی‌فرهنگ و بی‌آیین، درختی بی‌بر است (تشبیه)  
(۳) گر طواف حرام کعبه میسر نشود / سعی کن سعی، دل اهل صفا را دریاب (ایهام تناسب)  
(۴) هر آن غریب که خاطر به خوبرویان داد / غریب نبود اگر خاطرش به دست آرند (جناس همسان)

۱۵۰- آرایه‌های کدام گزینه، همگی در بیت زیر وجود دارند؟

صائب این شعر تر آتش‌زبان را گوش کن / تا بدانی در سخن دادِ فصاحت داده‌ام

- (۱) تشبیه - کنایه - واج‌آرایی - حسن تعلیل  
(۲) تلمیح - مراعات نظیر - استعاره - تناقض  
(۳) متناقض‌نما - کنایه - جناس - حس آمیزی  
(۴) حس آمیزی - مراعات نظیر - جناس - تلمیح